

فرم الف - متن کرسی ترویجی:

۲- عنوان کرسی:

عنوان فارسی: نقش هم‌افزایی نظریه‌های ارواح معانی، مقاصد شریعت و هرمنوتیک در تحول علوم انسانی
عنوان انگلیسی: The Synergy of the Theory of Arwāḥ al-Maʿānī, the Maqāṣid of Sharīʿah, and Hermeneutics in the Transformation of the Human Sciences
عنوان عربی: دور التآزر بین نظریات ارواح المعانی، مقاصد الشریعة، والهرمنیوطیکا فی تحوّل العلوم الإنسانیة.

۳- متن کرسی ترویجی:

۱-۳ شرح موضوع:

در چند دهه اخیر، اسلامی‌سازی علوم انسانی به یکی از اولویت‌های فکری و راهبردی جهان اسلام تبدیل شده است؛ گفتمانی که با هدف بازسازی معرفت بومی و مقابله با سلطه پارادایم‌های مسلط غربی شکل گرفته است (سروش، ۱۳۷۰، ۱۷۶؛ پایا، ۱۳۸۶، ۳۹؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۳۶۳). با این حال، بررسی انتقادی جریان‌های موجود نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این تلاش‌ها یا در سطح گزاره‌های کلی و ارزش‌مدار متوقف مانده‌اند (رک: نصیری، ۱۳۸۷)، یا فاقد چارچوب‌های روش‌شناختی منسجم و مبانی معرفت‌شناسی هستند (فروند، ۱۳۷۲، ۳؛ حسینی و علیپور، ۱۳۸۹، ص ۵۵). در نتیجه، علوم انسانی اسلامی هنوز نتوانسته است به‌عنوان پارادایمی مستقل و کارآمد جایگاهی تثبیت شده در تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیدا کند و اغلب در حد ایده‌های ذهنی و فاقد سازوکار عملی باقی مانده است.

مطالعه پیشینه نشان می‌دهد که این ناکامی‌ها ریشه در سه خلأ اصلی دارد:

۱. غفلت از پیوند معنا و بنیاد هستی‌شناسانه مفاهیم، که فهم مفاهیم انسانی را به سطحی قراردادی فروکاسته است؛
۲. فقدان جهت‌دهی ارزشی مبتنی بر مقاصد شریعت، که سبب شده نظریه‌ها انسجام غایت‌محور نداشته باشند؛
۳. نبود روش‌شناسی استقرایی و اجتهادی نظام‌مند، که بتواند عقل، نص و تجربه تاریخی را به‌طور هم‌افزا در فرآیند تولید دانش کنار هم قرار دهد (یوسف‌زاده، ۱۳۹۴؛ گلشنی، ۱۳۸۰).

پاسخ به این چالش‌ها مستلزم بازخوانی میراث معرفتی درون‌دینی و بهره‌گیری تلفیقی از ظرفیت‌های آن است. در این میان، سه منظومه فکری برجسته یعنی نظریه «ارواح معانی» (معنا)، نظریه «مقاصد شریعت» (غایت) و «هرمنوتیک عقل‌گرای اسلامی» (روش)، ظرفیت ویژه‌ای برای غنی‌سازی علوم انسانی اسلامی دارند. هر یک از این رویکردها به ترتیب بر مؤلفه‌ای از فرآیند تولید دانش تمرکز می‌کنند و هم‌افزایی میان آنها برای شکل‌گیری یک پارادایم بومی و کارآمد ضروری است (غلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴).

۲-۳ سوابق دانشی:

مرور ادبیات اسلامی‌سازی علوم انسانی در چند دهه اخیر، بارها بر این نکته تأکید کرده است که سه مؤلفه «معنا»، «غایت» و «روش» در بسیاری از الگوهای پیشنهادی یا ناقص دیده شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۵) یا تعامل روشمندی میان آنها برقرار نشده است. (دلاور، ۱۳۷۴، ص ۱۹؛ رک: شریفی، ۱۳۹۳) ضعف در معناشناسی فطری مفاهیم، باعث فروکاست واژگان بنیادین به معانی قراردادی شده (گلشنی، ۱۳۸۰) و از سویی دیگر، بی‌توجهی به غایات شریعت، موجب شده نظریه‌ها، جهت‌گیری ارزشی روشن

نداشته باشند (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۵). افزون بر این، فقدان روش‌شناسی عقلانی-اجتهادی، مانع اتصال عقل، نص و تجربه شده است (رضایی‌نیا، ۲۰۱۹).

با ارائه مدل سه‌وجهی «معنا، غایت، روش»، این پژوهش انسجام نظری بنیادین میان حوزه‌های معناشناسی وجودی، غایت‌شناسی ارزش‌مدار و روش‌شناسی استقرایی را ممکن می‌سازد. پیوند مستمر میان «ارواح معانی»، «مقاصد شریعت» و «هرمنوتیک عقل‌گرایی اسلامی» چارچوبی منسجم برای نظریه‌پردازی علوم انسانی اسلامی ایجاد می‌کند که از پراکندگی مفهومی و ارزشی جلوگیری می‌کند. در نتیجه، مفاهیم بنیادین مانند عدالت و کرامت از سطح قراردادی فراتر رفته و با غنای فلسفی و غایتی همراه می‌شوند. این انسجام نظری می‌تواند به شکل‌گیری یک چارچوب کلی فکری و معرفتی (پارادایم) مستقل در علوم انسانی اسلامی منجر شود.

روش‌شناسی استقرایی عقلانی اجتهادی شهید صدر به‌عنوان رکن عملیاتی مدل، امکان تولید دانش کاربردی و بومی را فراهم می‌آورد. ترکیب عقل، نص و تجربه تاریخی در یک چرخه بازخوردی، ضامن اعتبار علمی و انطباق با نیازهای اجتماعی است. (یوسف زاده، ۱۳۹۴؛ صدر، ۱۴۱۰، ص ۳۶) این رویکرد، فواصل معمول میان تحلیل مفهومی و طراحی سیاست را برمی‌دارد و به اجتهاد علمی-تجربی متصل می‌شود. در نتیجه، فرآیند تولید نظریه از مرحله تفسیری تا عمل و بازنگری، ساختاری نظام‌مند و پویا می‌یابد. (اکبری، ۱۳۹۳، قربانخانی، ۱۴۰۰)

پیامدهای عملی مدل در حوزه‌های برنامه‌ریزی آموزشی و سیاست‌گذاری فرهنگی آشکار است. با استفاده از چرخه کشف معنا، تنظیم غایت و تدوین روش، می‌توان محتوای درسی، فرایندهای تربیتی و ارزیابی‌ها را بر مبنای اهداف شریعت و روح مفاهیم وحیانی تدوین کرد. این سازوکار امکان طراحی برنامه‌های تربیتی مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اجتماعی را در سطوح مدرسه، دانشگاه و نهادهای فرهنگی فراهم می‌سازد. همچنین، مدل قابلیت بومی‌سازی در سایر زیرشاخه‌های علوم انسانی اسلامی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، خانواده و روان‌شناسی را داراست.

چشم‌انداز پژوهش‌های آینده شامل توسعه ابزارهای سنجش کمی برای ارزیابی تحقق مقاصد شریعت و تعمیق مطالعات

میان‌رشته‌ای است. ایجاد شاخص‌های عملکرد ارزش‌مدار و استفاده از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی می‌تواند پایایی و روایی

نتایج را تقویت کند. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی با چارچوب‌های معاصر غربی، زمینه شناخت نقاط قوت و ضعف مدل را

فراهم می‌آورد. استمرار بازخورد میدانی و همکاری با سیاست‌گذاران و فعالان آموزشی نیز مسیر پویایی و بهبود مستمر مدل را

هموار خواهد کرد.

۳-۳ موارد نوآوری:

جمع‌بندی مبانی نظری پژوهش در این جدول ارائه شده است.

نقاط ضعف / فاصله علمی	نقاط قوت	تمرکز اصلی	رویکرد
جداافتادگی از چارچوب غایت‌شناسی شریعت و فقدان سازوکار روش‌شناختی عملیاتی	اتصال به فطرت انسانی و منبع وحیانی؛ عمق فلسفی در بستر تفسیر قرآن	معناشناسی وجودی و تبیین مراتب معنایی (ظاهر → باطن → مطلع)	۱. نظریه ارواح معانی
فقدان معناشناسی عمقی از مفاهیم و عدم برخورداری از روش استقرایی نظام‌مند	جهت‌دهی ارزش‌محور و اولویت‌بخشی به نیازهای جامعه اسلامی	غایت‌شناسی ارزشی بر مبنای مصالح پنج‌گانه (دین، عقل، نفس، نسل، مال)	۲. مقاصد شریعت

غیبت مبانی وحیانی و غایات تشریعی؛ گرایش نسب‌گرای معنا و بی‌توجهی به ارزش‌مداری	پویایی در فهم متن و اذعان به پیش‌فرض‌های مفسر	تأویل متن از خلال «ادغام افق‌ها» و ساختارهای زبانی (گادامر، ریکور)	۳. هرمنوتیک غربی
نیاز به توسعه ابزارهای کمی برای شاخص‌سازی تحقق مقاصد و بومی‌سازی در بسترهای متنوع	انسجام میان لایه‌های مفهومی، غایتی و روش‌شناختی؛ قابلیت عملیاتی‌شدن	تلفیق معناشناسی وحیانی (ارواح معانی)، غایت‌شناسی تشریعی (مقاصد شریعت) و روش‌شناسی استقرایی-اجتهادی (صدر)	۴. مدل سه‌وجهی پیشنهادی

جمع‌بندی: سه رویکرد منفرد هر یک در حوزه معنا، غایت یا روش توانا هستند، اما فاقد یکپارچگی میان این مؤلفه‌ها می‌باشند. مدل سه‌وجهی پیشنهادی در این پژوهش کوشیده است این شکاف را پر کند و چارچوبی یکپارچه برای تولید نظریه‌های علوم انسانی اسلامی ارائه نماید.

۴-۳ فرایند:

بررسی مطالعات منتشرشده نشان می‌دهد که هرچند ظرفیت‌های نظریه‌های ارواح معانی، مقاصد شریعت و هرمنوتیک عقل‌گرای اسلامی به‌طور جداگانه تحلیل شده‌اند، (شریفی، ۱۳۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۲۷ق؛ شاطبی، بیتا؛ یوسف زاده، ۱۳۹۴؛ صدر، ۱۴۰۵ق؛ صدر، ۱۴۱۰ب، ص ۳۶؛ رضایی‌نیا، ۲۰۱۹) اما پژوهش جامعی که این سه مؤلفه را در یک مدل منسجم ترکیب کند، وجود ندارد. بیشتر مطالعات، حداکثر دو مؤلفه را کنار هم قرار داده و تعامل معنا، غایت و روش را به‌عنوان یک منظومه واحد در نظر نگرفته‌اند. این فقدان چارچوب، مانع از تولید نظریه‌های سیاست‌محور و کاربردی در علوم انسانی اسلامی شده است. پژوهش حاضر برای پاسخ به این خلأ، مدلی سه‌وجهی پیشنهاد می‌کند که در آن: «معناشناسی فطری» پیوند مفاهیم با فطرت و حقیقت وحی را برقرار می‌کند، «غایت‌شناسی ارزشی» تحلیل‌ها را بر اساس مصالح پنج‌گانه جهت‌دهی می‌کند و «روش‌شناسی استقرایی» توازن عقل، نص و تجربه را در فرآیند فهم و اجتهاد تضمین می‌کند. لذا این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای است و از نظر ماهیت و روش، کیفی با رویکرد تحلیل اسنادی و استنتاج تلفیقی انجام شده است. رویکرد تلفیقی به‌معنای ترکیب سه مرحله «تحلیل مفهومی-استنادی»، «استخراج غایات شرعی» و «تبیین روش‌شناختی» است که با مدل پیشنهادی سه‌وجهی (ارواح معانی - مقاصد شریعت - هرمنوتیک عقل‌گرای صدر) انطباق دارد. تعامل این سه ستون در یک چرخه پیوسته کشف معنا، جهت‌دهی غایت و استقرای نظام‌مند، شرایطی را برای تولید دانشی فراهم می‌سازد که هم غنای معنایی دارد، هم بر ارزش‌های شریعت استوار است و هم از اعتبار روشی و کارآمدی عملی برخوردار است. این چارچوب می‌تواند مبنای مطالعات آینده در حوزه نظریه‌پردازی مفاهیم، طراحی سیاست‌های مبتنی بر مقاصد شریعت، و توسعه روش‌شناسی اجتهادی در علوم انسانی اسلامی باشد.

این پژوهش با رویکرد کیفی تلفیقی و مبتنی بر تحلیل انتقادی و مقایسه‌ای متون دینی، فلسفی و فقهی طراحی شده است. هدف اصلی، تبیین فرآیند ادغام سه چارچوب نظری «ارواح معانی»، «مقاصد شریعت» و «هرمنوتیک عقل‌گرای اسلامی» در قالب مدلی منسجم با ساختار سه‌وجهی معنا، غایت، روش است. روش‌شناسی به‌گونه‌ای تنظیم شده که هم اعتبار مفهومی مدل را تضمین کند و هم امکان آزمون عملی آن در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی اسلامی را فراهم آورد.



۱.۳ ساختار سه‌مرحله‌ای تلفیقی

اول: مؤلفه «معناشناسی وجودی»

این مؤلفه بر اساس نظریه ارواح معانی (طباطبایی، ۱۴۲۷ق) استوار است که بر مراتب وجودی معانی و پیوند آنها با فطرت انسانی تأکید دارد، کارکرد آن بازیابی عمق مفهومی مفاهیم بنیادین (مانند عدالت، کرامت، آزادی) فراتر از سطح لفظی و قراردادی و بازشناسی «روح معنا» در سه سطح ظاهر، باطن و مطلع؛ و ابزار اجرایی آن تحلیل محتوای تفسیری، پدیدارشناسی معنایی و کدگذاری نمایه‌های مفهومی بر اساس آثار تفسیری و فلسفی است.

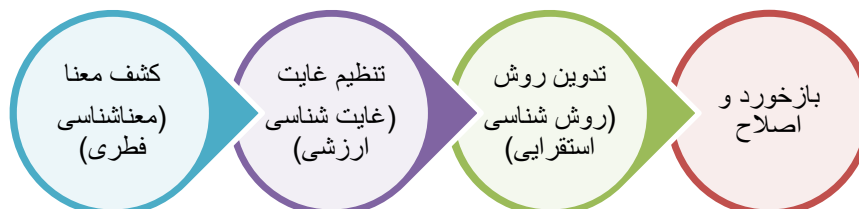
دوم: مؤلفه «غایت‌شناسی ارزشی»

این مؤلفه برگرفته از نظریه مقاصد شریعت شاطبی و ابن‌عاشور که مصالح پنج‌گانه (دین، عقل، نفس، نسل، مال) را به‌عنوان اهداف نهایی تشریع معرفی می‌کند و در مطالعات معاصر توسعه یافته است (الریسونی، ۱۹۹۲)؛ کارکرد آن پیوند مفاهیم بنیادین با اهداف ارزشی شریعت و ایجاد چارچوبی برای جهت‌دهی ارزش‌مدار در نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری است و ابزار اجرایی آن تطبیق نمایه‌های معنایی با مصالح پنج‌گانه، تدوین بیانیه‌های مقاصدی و ایجاد ماتریس اهداف مصالح است.

سوم: مؤلفه «روش‌شناسی استقرایی»

این مؤلفه متکی بر منطق استقرایی شهید صدر است که تعامل میان عقل، نص و تجربه را در فرایند اجتهاد دینی تضمین می‌کند (صدر، ۱۴۱۰ب، ص ۳۶ و ۱۴۱۰الف، ص ۳۷۳) کارکرد آن تبدیل مفاهیم و غایات به قواعد و راهکارهای عملیاتی از طریق تحلیل مصادیق تاریخی و معاصر و استخراج الگوهای کلی است و ابزار اجرایی آن گردآوری مصادیق، تحلیل الگوها، استقراء نظام‌مند و آزمون میدانی قواعد عملی است.

در اين مدل، فرايند توليد دانش اسلامى انسانى در سه گام پيايى و چرخه‌اى سامان مى‌يابد. هر مرحله بر مبنائى مبائى نظرى «ارواح معانى»، «مقاصد شريعت» و «هرمنوتيك عقل گراى اسلامى» شكل گرفته و با يكدديگر در تعامل و بازخورد مستمر قرار دارند.



لذا فرايند كار مدل به صورت چرخه‌اى و مستمر طراحى شده است كه سه مرحله دارد؛ كشف معنا؛ يعنى استخراج روح معانى از منابع وحىانى و نمايه سازى مفاهيم بنيادين (معنا شناسى وجودى). تنظيم غايت؛ پيوند نمايه‌ها با مقاصد شريعت و تدوين اهداف ارزش‌مدار (غايت‌شناسى ارزشى). تدوين روش؛ به‌كارگيرى استقراء نظام‌مند براى تبديل اهداف به قواعد و برنامه‌هاى عملى (روش‌شناسى استقرايى). بازخورد و بازنگرى؛ ارزيايى ميدانى نتايج و بازگشت به مرحله كشف معنا جهت اصلاح و به‌روزرسانى مدل.

۲.۳ شبیه‌سازی فرايند

با هدف استخراج قواعد مقاصدى از داده‌هاى قرآنى و تاريخى، چهار گام روش‌مند دنبال مى‌شود:

گام اول: گردآورى مصاديق قرآنى: انتخاب آيات مرتبط (نمونه: عدالت اجتماعى در نساء: ۵۸، حديد: ۲۵، مائده: ۸) و مستندسازى زمينه نزول. (يوسف زاده، ۱۳۹۴) (صدر، ۱۴۱۰، ص ۳۶) (صدر، ۱۴۱۰ الف، ص ۳۷۳)

گام دوم: تحليل مفهومى: شناسايى واژگان كليدى و تعيين روح معانى آنها بر اساس رويکرد طباطبايى.

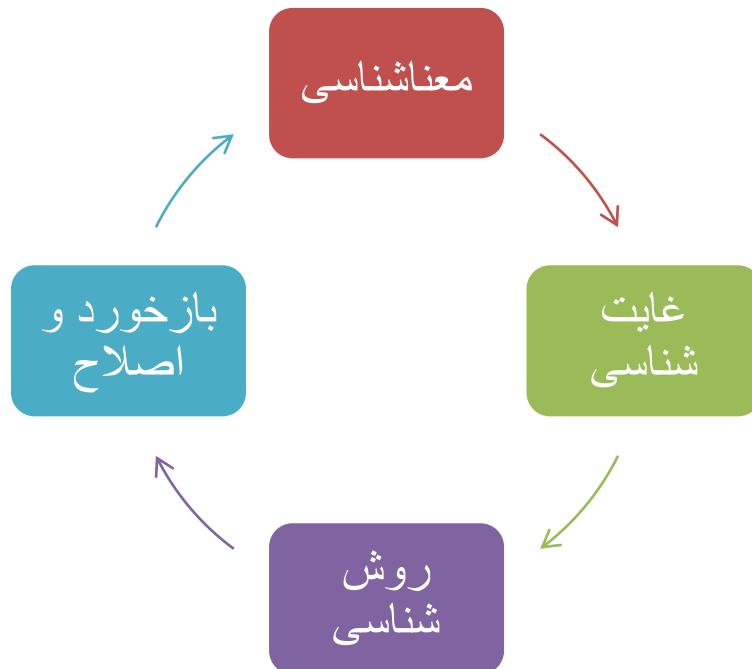
گام سوم: شناسايى الگوهاى مشترك: تطبيق كدهاى معنائى با مصالح پنج‌گانه و تعيين اشتراكات ارزشى.

گام چهارم: استخراج بيانیه‌هاى مقاصدى: تركيب تحليل معناشناختى و غايتى براى تعريف اهداف كلان تشريع.

منابع اصلى تحليل قرآن كريم، تفسير الميزان (طباطبايى، ۱۴۲۷ق)، آثار شاطبى (بيتا)، ابن عاشور (۲۰۰۶)، الريسونى (۱۹۹۲)، و آثار شهيد صدر (۱۴۰۵ق؛ ۱۴۰۸ق) و روش‌هاى تحليلى همان تحليل محتوا براى كدگذارى مفهومى، پديدار شناسى معنائى براى درك لايه‌هاى باطنى مفاهيم؛ (اكبرى، ۱۳۹۳) تحليل مقاصدى براى ارزش‌گذارى نظريه‌ها؛ استقراء نظام‌مند براى توليد قواعد كلى؛ ابزار نرم‌افزارى: براى مديريت كدها و ترسيم شبكه‌هاى مفهومى است.

براى تضمين اعتبار و روايى مدل ادغام سه روش تحليلى (مفاهيم، مقاصد، استقراء) و اعتبار درونى، بهتر است نتايج توسط نخبگان علمى، بازبينى و توسط متخصصان فقه، تفسير و علوم انسانى نقد شود همچنين براى تحليل پاىاىى بايستى پژوهشگر ضمن ثبت دقيق فرايند كدگذارى تحليل محتوا را توسط نرم‌افزارهاى تخصصى انجام دهد بعلاوه براى امكان بازتوليد نتايج و اعتبار بيرونى، ارائه مدل و يافته‌هاى هر پژوهش به كارگروه‌هاى علمى و دريافت بازخورد پيش از انتشار پيشنهاده مى‌شود.

۵.۳ نمودار چرخه‌ای تعامل سه مؤلفه



این چرخه تضمین می‌کند که مفاهیم، اهداف و روش‌ها همواره در تعامل با یکدیگر اصلاح و به‌روز شوند و مدل، پویایی لازم برای انطباق با تحولات اجتماعی و معرفتی را داشته باشد.

۵-۴ منابع:

۱. ابن‌عاشور، محمد طاهر (۱۹۷۸). مقاصد الشریعة الاسلامیة. تونس: مصنع الکتاب.
۲. آزاد، علیرضا (۱۳۹۱) تفسیر قرآن و هرمنوتیک، قم، بوستان کتاب.
۳. اکبر نژاد، غلامرضا (۱۴۰۲) مطالعه تطبیقی اهداف دوره ابتدایی ایران و فنلاند، مطالعات تطبیقی تربیت معلم، دوره ۲، شماره ۱.
۴. اکبری، رضا و دیگران (۱۳۹۳) بازخوانی نظریه شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن کریم با تکیه بر اندیشه هرمنوتیکی گادامر، مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، ش ۲.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۱) مصباح‌الهدایة إلى الخلافة والولاية، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
۶. پایا، علی (۱۳۸۶) ملاحظه نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی، حکمت و فلسفه، سال سوم، ش ۲ و ۳، پیاپی ۱۱، ص ۳۹.
۷. پایا، علی (۱۳۹۳) علم دینی آری یا نه؟ مناظره مکتوب پایا و سوزنجی، علوم انسانی صدر، ش ۹، ص ۳۶۳-۴۱۶.
۸. پورحسن، قاسم (۱۳۸۴) هرمنوتیک تطبیقی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. چناری، محسن و دیگران (۱۴۰۳). بررسی و مقایسه نظام آموزشی ایران و فنلاند، نشریه پایاشهر،
۱۰. حسنی، اسماعیل (۱۴۲۶)، نظریه المقاصد عند الامام محمد الطاهر العاشور، دمشق، المعهد العالمی للفکر الاسلامی
۱۱. حسنی، حمید رضا، و مهدی علیپور (۱۳۸۹) پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. دلاور، علی (۱۳۷۴) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد.
۱۳. ریخته‌گران، محمد رضا (۱۳۷۸) منطق و مبحث علم هرمنوتیک، تهران، کنگره.
۱۴. ریسونی، احمد (۱۹۹۱ م). نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی، رباط، دارالامان.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۰) تفرج صنع، ج ۲، تهران، سروش.
۱۶. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳) تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



باسمه تعالی

مركز تحقیقات علوم اسلامی
از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره

۱۷. شاطبی، ابراهیم ابن موسی (بی‌تا). الموافقات فی اصول الاحکام. بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۳). ویژگیهای موضوع علوم انسانی و دلالتهای روش شناسانه و غایت شناسانه آنها، معرفت فلسفی، سال ۱۳، ش سوم.
۱۹. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۷). نظریه پردازی اسلامی در علوم انسانی، تهران، آفتاب توسعه.
۲۰. صدر، محمد باقر (۱۳۵۹). مبانی منطقی استقراء، مترجم: احمد فهری زنجانی، تهران، پیام آزادی.
۲۱. صدر، محمد باقر (۱۴۱۰ الف). اقتصادنا (در مجموعه کامل تالیفات شهید صدر، ج ۱۰). بیروت: دارالتعارف.
۲۲. صدر، محمد باقر (۱۴۱۰ ب). المدرسه القرآنیة (در مجموعه کامل تالیفات شهید صدر، ج ۱۳). بیروت: دارالتعارف.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۴. عدنان القطیفی، السید منیر سید (۱۴۱۴)، الرافد فی اصول الفقه، قم: نشر مکتب آیت الله السید السیستانی.
۲۵. غزالی، ابو حامد محمد. (۱۴۱۶) مجموعه رسائل الامام الغزالی، بیروت: دار الفکر.
۲۶. غزالی، ابو حامد محمد. (۱۴۱۱) جواهر القرآن. بیروت: دار احیاء العلوم، الطبعة الثالثة.
۲۷. غلامی، رضا. (۱۳۹۷) معنا و مبنای علوم اسلامی، تهران: آفتاب توسعه.
۲۸. فروند، ژولین (۱۳۷۲)، نظریه های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، چ ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۹. قربانخانی، امید (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی گفت و گو با متن در روش تفسیری شهید صدر و رویکرد هرمنوتیک گادامر، پژوهشهای تفسیر تطبیقی، سال ۸، ش ۱.
۳۰. گلشنی، مهدی (۱۳۸۰). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶) آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. نصیری، مهدی (۱۳۸۷) اسلام و تجدد، تهران، کتاب صبح.
۳۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷). بحوث فی علم الاصول، تقریر درس آیت الله صدر، بیجا، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه
۳۴. واعظی، احمد (۱۳۸۹) درآمدی بر هرمنوتیک، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ ششم
۳۵. یوسف زاده، حسن و محمد علی نظری (۱۳۹۴) مقایسه روش شناسی شهید صدر و ایزتسو در جهت ارائه الگویی روش شناختی درباره کشف نظریه قرآن، پژوهشنامه علوم انسانی اسلامی، ش ۳، ص ۱۶-۳۷.